



در نشست آسیب‌شناسی شعر کودک مطرح شد

قسمت اول

شعر کودک ابزار آموزش نیست

تنظیم: سمانه آزاد

کلیدواژه‌ها: شعر کودک، شعرهای آموزشی، ادبیات کودکان

اشاره

از آن جاکه تأثیر زبان شعر، به خصوص در دوران کودکی، انکار ناپذیر است و مریبان مراکز پیش‌دبستانی و حتی معلمان مقاطع بالاتر، از این زبان برای آموزش استفاده می‌کنند، اما آیا شعر ابزاری برای آموزش محسوب می‌شود؟ آیا ذهنیت آموزش محور در شعر کودک، ذهنیت درستی است و یا به قول اسدا... شعبانی خیانت به ادبیات کودک و ضایع کردن حقوق کودکان است؟ این‌ها بخشی از سؤال‌هایی است که در جلسه «آسیب‌شناسی شعر کودک در مراکز پیش‌دبستانی» به آن‌ها پاسخ داده شد.

در این جلسه که با همت فصل‌نامه رشد آموزش پیش‌دبستانی برگزار شد، دکتر فرخنده مفیدی سردبیر و مرتضی طاهری از اعضای هیئت تحریریه مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی، مصطفی رحماندوست، اسدا... شعبانی و فریبرز لرستانی از شاعران حوزه کودک و آزاده فضالی دانش‌آموخته رشته آموزش پیش‌دبستانی حضور داشتند که به بحث درباره شعر و ذهنیت آموزش محوری در شعر کودک پرداختند.

در ابتدای این جلسه فرخنده مفیدی با اشاره به این که شعر زبانی فرامیزی است که برای انعکاس افکار، اندیشه و ابزاری برای آموزش و ارتقا رشد شناختی و عاطفی کودکان است و بنابراین می‌تواند جایگاه خوبی در دوره پیش‌دبستانی داشته باشد، هدف از برگزاری نشست را این‌گونه تشریح کرد: «هدف از برگزاری این نشست آسیب‌شناسی وضعیت موجود شعر در مراکز پیش‌دبستانی است. شما به عنوان شاعر شعر کودک را در مراکز آموزشی مان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ شعر کودک باید چه شاخص‌ها و معیارهایی داشته باشد؟»



رشد آموزش پیش‌دبستانی
دوره سوم شماره ۲
زمستان ۱۳۹۰

۴



آموزش محوری در شعر کودک ساوای است با خیانت به ادبیات کودک

اسدا... شعبانی، کسی است که انس دیرین با شعر کودک دارد و در این حوزه فعالیت می‌کند، از تجربه خود برای سامان بخشیدن به شعر در مراکز پیش‌دبستانی و مهدهای کودک اشاره کرد و گفت: «در ابتدای دهه ۶۰ تلاش کردیم تا منابعی را جمع‌آوری کنیم که در دسترس مربیان بود که به تولید کتاب «شعر شکوفه‌ها» انجامید.»

در آن زمان مربیان معمولاً شاعر بودند و شعر می‌گفتند. کم‌تر شعرهایی هم از شاعران به مراکز پیش از دبستان راه یافته بود که عموماً مناسب نبودند. یعنی به لحاظ زبان دور از دنیای خردسالان بودند. به لحاظ تکنیک هم کمتر شعری یافت می‌شد که بی‌اشکال باشد. بنابراین، از آن‌جا که مربیان به منبع دسترسی نداشتند و شعرهای شاعران هم مناسبیت چندانی با دوره پیش از دبستان نداشت، خود مربیان ترانه‌هایی می‌ساختند و یا از آن‌چه در ذهن داشتند استفاده می‌کردند. بنابراین ما با مجموعه‌ای از شعرهایی روبه‌رو شدیم که حتی برخی از آن‌ها غلط‌آموز بود. ما هنگامی که از مربیان خواستیم تا شعرها را برآیمان بفرستند، در

دفتر تألیف آن‌ها را مورد بررسی قرار دادیم و تعدادی از آن‌ها را با همکاری اصغر واقفی بازآفرینی کردیم. در حاصل کار یعنی کتاب «شعر و شکوفه‌ها» چند شعر از ایشان هم بود که بیشتر مضمون‌های شهری داشت. و برایش شعرها هم به عهده بنده بود که بچه‌ها هم از شعرها استقبال کردند.

قرار بود ما موقتاً جزوه‌ای را در اختیار مربیان قرار دهیم و در صورت امکان آن‌را کامل و منتشر کنیم. زنده یاد **منوچهر ترکمان** این جزوه را به صورت کتاب به انتشارات مدرسه سپرد و منتشر کرد که بعدها در کتابی به نام «خرمن شعر خردسالان» به چاپ رسید. ولی متأسفانه شاهد هستیم که بعضی از شعرها بدون ارزیابی از طریق بعضی ناشران به چاپ رسیده است.

بنابراین بسیاری از آن‌ها را از بین بردم تا فقط شعرهای خوب باقی‌ماند. و آن‌ها را در کتابی به نام «خرمن شعر خردسالان» چاپ کردم.»

شعبانی درباره دلیل نامناسب بودن بخشی از شعرهای «شعر و شکوفه‌ها» گفت: «در نزدیک به ۹۰ درصد شعرها، شاعران یا مربیان ذهنیت آموزش محور داشتند. آن جزوه‌ای که موقتاً در دسترس مخاطبان قرار دادیم نیز تقریباً ذهنیت آموزش محور داشت. یعنی ما شعر را مانند ابزار یادگیری به کار بردیم؛ کاری که به شدت غلط است. آقای رحماندوست و دیگر دوستان و همکاران

می‌دانند که ما بعد از سال‌ها به این شناخت رسیدیم که ابزاری پنداشتن شعر و قصه کودک، نوعی خیانت به ادبیات کودک و ضایع کردن حقوق کودکان است.

آموزش، ادبیات و هنر هر کدام جایگاه خود را دارد. این‌ها در کنار هم، یک‌دیگر را کامل می‌کنند. من در کتاب «خرمن شعر خردسالان» نزدیک به ۸۰ صفحه درباره این موضوع صحبت کرده‌ام و معیارم را در شعر کودک مشخص کرده‌ام.»

وی در ادامه افزود: «تلاش من این است که ذهنیت آموزش محور را از نظام آموزشی کشور در رابطه با شعر و قصه پاک کنم. متأسفانه تصور اغلب مدیران آموزشی از شعر و قصه کودک، ابزاری بودن آن است و در همه‌جا این موضوع را اعمال می‌کنند. ما تلاش می‌کنیم که بگوییم مسائل ذوقی با ابزاری پنداشتن آن غلط است. در شعر خوب خردسالان و کودکان، مفاهیم آموزشی جایگاه خود را دارد، اما با زبان غیرمستقیم و هنری بیان می‌شود. متأسفانه، در سطح ملی با مشکل مواجهیم که بتوانیم حرفمان را به کرسی بنشانیم. من در همه جا گفته‌ام که شعر ابتدا باید شعر باشد. اگر شعر مناسب بچه‌های پیش‌دبستانی باشد، در ذات خود آموزش‌های رایج را هم دارد.»





اسدالله شعبانی: تلاش من این است که ذهنیت آموزش محور را از نظام آموزشی کشور در رابطه با شعر و قصه پاک کنم

می خواستند مهندس و دکتر شوند اما از بد حادثه مربی شده اند؟ حال فرض کنید با این اوضاع به آن‌ها دستور داده می شود که به مناسبت‌های گوناگون به بچه‌ها شعر یاد دهند. آن‌ها که حوصله، وقت و گاهی امکانش را ندارند، کمی جست‌وجو می کنند و اگر چیزی پیدا نکردند، خودشان چیزی می گویند. به یاد دارم به مهد کودکی رفتم که بچه‌ها به مناسبت تولد پیامبر (ص) شعر می خواندند. «به دنیا آمد احمد/ تولد شد محمد!» واقعاً کودک با این شعر چه چیزی یاد می گیرد؟ چه اتفاقی برای کودکی که این شعر را می خواند می افتد؟

با مربی که صحبت کردم، او گفت که: «چاره‌ای نداشتم! برای تولد حضرت محمد (ص) دنبال شعر می گشتم و چون پیدا نکردم خودم این شعر را گفتم!»

شعر لذت بخش

در ادامه جلسه رحماندوست به تقسیم بندی شعر کودک پرداخت و گفت: «از نظر من بخشی از شعر خردسال از زبان بزرگسال است. مانند ترانه‌های ناز آوا و نوازش قرن هاست که در کشور ما و با زبان فارسی در حال تغییر وجود دارد و پابرجاست. پس بخشی از این موضوع، شعرهایی است که

بردن از بازی را آموزش می دهیم. وقتی با آموزش محوری در شعر کودک موافق نیستیم، منظورمان این است که بزرگسال کودک را با شعر وادار به کاری می کند. ما در کشورمان از گذشته‌های دور تاکنون دو تفکر تربیتی داشته‌ایم: یکی آن که می گوید:

«چوب تر را هر آن چه خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست.»
و تفکر دوم می گوید: «تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است.»

اما واقعیت این است که کودک به تنهایی بوم بی رنگ یا چوب تری که هر طور می خواهیم بپیچانیم نیست هر کودکی به دلیل این که در فضای خانوادگی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی رشد می کند، رنگ خاصی دارد که دانشمندان نام این رنگ را ژنیتیک و وراثت می گذارند. پس هنر هنرمند جایی تأثیر گذار است و به درد می خورد و شعرهای آموزش محور بی فایده هستند. در این شعرها انعطاف‌هایی هست که شاید نتواند گروهی را مورد خطاب قرار دهد،

مصطفی رحماندوست: لذت بردن حتماً به این معنی نیست که از شعر چیزی یاد بگیرد، بلکه به این معنی است که بتواند با آن بازی کند و میان والدین و مربی با بچه از تباط عاطفی برقرار شود

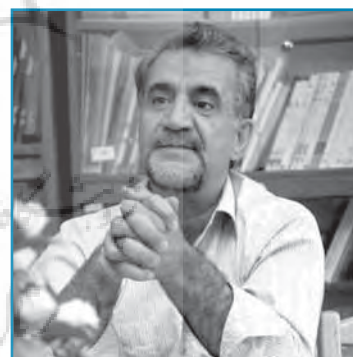
اما حتماً گروهی دیگر را می تواند. مثلاً شاید شعری که درباره سطل زباله برای کودک سروده شده است به ریختن زباله در سطل منجر نشود، اما از این که سطل زباله در خانه هست لذت می برد و به آن می خندد. همین موضوع می تواند در او تأثیر بگذارد.»

او افزود: «بی تردید به رسمیت شناختن زندگی کودک کار مربی نیست. چند درصد از مربیان مراکز پیش دبستانی

مرز اصلی مابین شعر و غیر شعر، اول از همه شعر بودن نوشته است، به همین دلیل هم من شعرهایی از کتاب «شعر و شکوفه‌ها» را حذف کردم. اما متأسفانه هم چنان به دست مربیان می رسد که حاصل آن بی ثمری تلاش‌های ماست.

بنابراین ذهنیت ما این است که «شعر» به دست بچه‌ها برسد. اگر شعر واقعی که از حداقل‌ها برخوردار باشد به دست مخاطبان برسد، ذهنیت مربیان هم تغییر می کند و به خودشان اجازه نمی دهند که گمان کنند شاعر هستند و شعر بگویند. اگر هم استعدادی دارد آن را تربیت می کند تا شاید شاعر خوبی شود. اما ابتدا اجازه می دهد که شعر مناسب وارد مهد شود.»

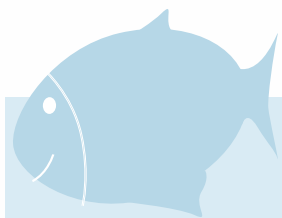
سر دبیر فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی در تأیید سخنان شعبانی گفت: «پس از دیدگاه شما، یکی از آفات حوزه شعر کودک ذهنیت آموزش محوری آن است و کودک وقتی بداند که قصد آموزش دادن آن‌ها را دارید دوری می کنند. نکته دیگر این است که شاعر شعر می گوید و مربیان شعر را



به کار می گیرند، مگر این که مربی شاعر باشد یا ذوق هنری داشته باشد.»

هر شعری آموزشی دارد اما...

مصطفی رحماندوست، دیگر شاعر حوزه کودک، افزود: «همه شعرها آموزش محور هستند، یعنی در هر شعری آموزشی وجود دارد؛ حتی در شعرهای بی معنی که فقط بازی هستند. بازی و لذت



که تنها ۴۲ روز از بارداری اش می گذشت یعنی حسگرها حرکتی از یک جنین ۴۲ روزه را ثبت کرده بودند. در جنین های بزرگ تر، حرکتها واضح تر بودند. در پایان این آزمایش، مادرها برای کودکانشان شعر یا قصه می گفتند. بعدها که مطالعه کردم، متوجه شدم دلیل تأثیر قصه و قصه گویی در خانه و خانواده این است که اولین صدایی که انسان می شنود صدای مادری است و گمان می کند آرامش بخش تر از این صدا وجود ندارد.»

این شاعر از این تجربه و آزمایش چنین نتیجه گیری کرد: «پس ما می توانیم برای پیش از تولد نیز شعر و قصه داشته باشیم



نیست که از شعر چیزی یاد بگیرد، بلکه به این معنی است که بتواند با آن بازی کند و میان والدین و مربی با بچه ارتباط عاطفی برقرار شود. یکی دیگر از ویژگی های این شعرها این است که کودک در تنهایی خودش از آن لذت ببرد. یعنی کودک هنگامی که در تنهایی اش می خواند از آن لذت ببرد که برای رسیدن به این هدف هم شعر باید ویژگی هایی داشته باشد. از جمله این که بخشی از ویژگی های تنهایی و درونی خردسال را پاسخ دهد. البته من دلم می خواست گروه خردسال را تقسیم بندی سنی کنیم و پیش دبستانی فقط یک سال از شش سال خردسالی است

آزاده فضاییلی: من از شاعر شعر کودک این انتظار را دارم که خودش هم درباره ناشر حساسیت به خرج دهد که متأسفانه کم تر شاهد این موضوع هستیم

و انتظار تأثیر گذاری هم داشته باشیم؛ من با این آزمایشها مطمئن شدم. توصیه هایی که به مادران باردار درباره غذا خوردن و دعا کردن می شود، تنها شعار دینی نیستند، بلکه شعائر تأثیر گذاری بر آینده فرزندانمان هستند.»

فرخنده مفیدی در این جا چنین نتیجه گیری کرد: «به گفته آقای رحماندوست ما در زمینه شعر کودک طبقه بندی داریم و ویژگی اصلی شعر کودک شادی، لذت و بازی است.» و افزود: «مثلی در شعر گفتن و شعر شنیدن مطرح می شود که من از آن با عنوان «مثلت محبت» یاد می کنم. به این شکل که از طریق شعر گفتن و شعر شنیدن میان والدین، مربی و کودک عاطفه شکل می گیرد.»

رحماندوست به تأثیر شعر بر سلامتی کودک و والدین و حتی مربی هم نگاهی داشتند.

و برای مثال درباره گروه ۰ - ۲ ساله ها مسأله ما خاص است.

شعرهایی برای پیش از تولد

در ادامه مصطفی رحماندوست از تجربه جالب خود درباره تأثیر شعر بر کودک در دوران جنینی یاد کرد و گفت: «مدتها پیش من با چند تن از پزشکان زنان و زایمان مشورت کردم و از آن ها خواستم چند خانم باردار را به من معرفی کنند که طی آن دوران برای انجام دادن تعدادی آزمایش با آن ها در تماس باشیم. با همکاری این پزشکان این اتفاق افتاد و من در این دیدارها شعر می خواندم و قصه می گفتم و مادران گوش می کردند. از سوی دیگر پزشکان به وسیله حسگرهایی حرکت های جنین را ثبت می کردند که واقعاً نتایج عجیبی داشت. یکی از نتایج واقعاً شگفت آور مربوط به خانمی بود

بزرگسالان برای بچه ها می خوانند تا هم با آن ها بازی کنند و هم به آن ها عاطفه بدهند. ما به شعرهایی نیاز داریم که برای برقراری ارتباط عاطفی با کودک تا پدر و مادر و مربی با خواندن آن به کودک عاطفه دهند. در سال های اخیر، در این رابطه تلاش های زیادی شده است. ما و برخی از دوستان کارهایی در این زمینه انجام دادیم. ما تا مدتی فکر می کردیم که فقط کودک باید از شعر لذت ببرد، اما بعد نظرم ان عوض شد. شعری که هم به والدین و هم به کودک لذت بدهد تأثیرگذار نیز است.

وقتی کتاب «بازی با انگشتان» من منتشر شد، سوئدی ها خواستار ترجمه و انتشار آن شدند. وقتی دلیل انتخاب آن ها را پرسیدم، گفتند: «گفتن قصه برای بچه ها، هر روز و شب واجب است و اگر برای کودکی قصه نگویند می تواند شکایت کند. یکی از تنبیه هایی هم که ممکن است اتفاق بیفتد نگفتن قصه است. اما در عین حال پدر و مادرانی هستند که نمی خواهند یا نمی توانند قصه بگویند. ما برای این دسته افراد «بازی با انگشتان» را انتخاب کردیم چون در طی مدت کوتاه پدر یا مادر دست کودک را می گیرد و با انگشتانش بازی می کند. بعد از این گفت و گو، فهمیدم که شعر من خوب نبوده، این شیوه سنتی ما خوب بوده که ما به آن توجه نداشتیم.

لازم است برای ارتباط عاطفی و شیرین بچه ها با والدین شعر داشته باشیم. یکی از ویژگی های این شعرها این است که بچه ها از آن لذت ببرند. لذت بردن حتماً به این معنی



فریبرز لرستانی

در واقع، به گفته ایشان، غیر از ظاهر شعر باید به نفوذ و سازندگی آن توجه داشته باشیم چرا که انسان از طریق شعر به موضوعاتی پی می برد که چه بسا پنهان باشند.»

مربیان، بی خبر از فضای شعر



یکی دیگر از مشکلات مربوط به صنعت نشر کشور است. بزرگ ترین رویداد فرهنگی کشور در حوزه کتاب، نمایشگاه بین المللی کتاب تهران است که وقتی به عنوان مخاطب و بازدیدکننده وارد بخش کودک و نوجوان می شوید نمی توانید نفس بکشید. هم چنین

فرخنده مفیدی: به نظر می رسد جامعه ما بیش تر شعر را در حوزه برنامه آموزشی می بیند و در زندگی مان جاری و ساری نیست. بنابراین باید در خصوص نقش و اهمیت بیش تر شعر در زندگی طبیعی کودک، مسئولانه تر فکر کنیم

در نمایشگاه کتاب دیده می شود که برخی ناشران گمنام چند عنوان کتاب را به قیمت پایین عرضه می کردند در این اوضاع که والدین هیچ انتظاری ندارند و فضای آموزشی هم مشکلاتی دارد، فضای نشر باید پشتیبان شما به عنوان شاعر باشد. شاید این سه مسأله فی نفسه آسیب شناسی شعر کودک محسوب نشود، اما شعر را بسیار تحت تاثیر قرار می دهد.

خوشبختانه، هنوز در مهدهای کودک شعر حذف نشده است. پس ما هنوز شعر را در فضای آموزشی مان مؤثر می دانیم و در همه مهدها شعر هنوز نقش دارد. این نکته خوشایندی است که همیشه به من قوت قلب می دهد. اما متأسفانه فضای آموزشی ما از فضای تولیدات شعری اطلاعی ندارد. نخستین کاری که من در جهاد دانشگاهی و تدریس به مربیان مهد انجام می دادم، معرفی ناشران بود. تا وقتی وارد فضای نمایشگاه کتاب می شوندم بدانند که برای چه ناشرانی وقت صرف کنند. من از شاعر شعر کودک

این انتظار را دارم که خودش هم درباره ناشر حساسیت به خرج دهد که متأسفانه کم تر شاهد این موضوع هستیم.»

استاد دانشگاه علامه طباطبایی و سردبیر فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی نیز به نکته های ظریف و پرمغزی اشاره کردند. ایشان به بیان تعدادی عوامل تاثیر گذار در این زمینه پرداختند. گاهی مربیان نا آگاه هستند و ویژگی های اصلی مربی را ندارند و البته والدینی که انتظاراتشان معقول و از سر آگاهی نیست. اگر والدین و مربیان و صنعت نشر، شاخص ها و متغیرهای تاثیر گذار داشته باشند، نگاه اساسی ما این گونه می شود که شعر حذف شدنی نیست، چرا که کودک با شعر زندگی می کند و جایگاه شعر مانند خمیرمایه ای است که باید بر اساس آن، برای کودک برنامه ریزی کنیم. حتی برخی معتقدند که شعر کودک باید فعال باشد و راز ماندگاری و تاثیر گذاری شعر کودک هم موزونی و تحرک و فعال بودن آن است. شعر باید در زندگی روزمره کودک جاری باشد و اصولاً نگاه طبیعی به زندگی همان شعر است. پس باید از همان ابتدا، چه در برنامه های آموزشی و چه در برنامه های خانوادگی و جامعه، احساس شعری را در فرزندمان بیورانیم تا با شعر زندگی کنند.

به نظر می رسد شما شاعران نیز باید از این دریچه به شعر کودک بنگرید که چون شعر در زندگی طبیعی کودک جاری است، والدین هم در زندگی روزمره می توانند با آهنگ و موزون با فرزندانشان صحبت کنند. اما به نظر می رسد جامعه ما بیش تر شعر را در حوزه برنامه آموزشی می بیند و در زندگی مان جاری و ساری نیست. بنابراین باید در خصوص نقش و اهمیت بیش تر شعر در زندگی طبیعی کودک، مسئولانه تر فکر کنیم.»

ادامه این میزگرد را در شماره بعد بخوانید.

آزاده فضائلی دانش آموخته رشته آموزش پیش دبستانی که مسئولیت تدریس به مربیان مراکز پیش دبستانی را نیز بر عهده داشته است، درباره تجربیات خود گفت: «علاوه بر این که من با مسئولان و مربیان مهدهای کودک سر و کار دارم، دغدغه فکری من همیشه کودک بوده و هست.

در ابتدا، من باید دو نکته را به عنوان مقدمه عرض کنم. ما گاهی با پدر و مادرهایی روبه رو می شویم که هیچ انتظاری از آموزش در مهد کودک ندارند و فقط می خواهند که از کودکشان نگاهداری شود تا جایی که یکی از والدین طبقه متمول از من پرسیدند شما چرا مرکز شبانه روزی ایجاد نمی کنید که ما فرزندمان را به آن جا بیاوریم و خیالمان از بابت نگاهداری راحت باشد؟ چنین والدینی هیچ توقعی از مهد کودک ندارند. در مقابل ما مربیانی داریم که به دلیل مشکلات گوناگون تأمین مالی نیستند و به این دلیل مربی مهد شده اند. بنابراین ما با این دو معضل روبه رو هستیم

